





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اقتصاد و مدیریت

بررسی عوامل مؤثر بر دام درآمد متوسط در ایران و مقایسه آن با تجربه مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین

نگارش:

حسین سعادت

استاد راهنما:

دکتر سید حسین میرجلیلی

استاد مشاور:

دکتر امین محسنی چراغلو

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم اقتصادی

دی ماه ۱۳۹۶

سپاس‌گزاری:

"سپاس خدای را که به من توان آموختن عطا فرمود"

نمی‌توانم معنایی بالاتر از تقدیر و تشکر بر زبانم جاری سازم و سپاس خود را در وصف استادان خویش آشکار نمایم، که هر چه گویم، کم گفته‌ام. اما برحسب وظیفه:

از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر سید حسین میرجلیلی که در کمال سعه‌صدر، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛

از استاد صبور و فاضل؛ جناب آقای دکتر امین محسنی چراغلو که با حسن خلق و فروتنی، زحمت مشاوره این پایان‌نامه را متقبل شدند؛

از استاد ارجمند؛ جناب آقای دکتر امیرحسین مزینی که قبول زحمت فرموده و داوری پایان‌نامه را پذیرفتند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

تقدیم به:

روح پاک پدرم که عالمانه به من آموخت
تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم
و به مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق
که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر

چکیده

بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ کشورها را برحسب تولید ناخالص داخلی سرانه با معیار برابری قدرت خرید (در قیمت ثابت سال ۱۹۹۰) در سه طبقه درآمدی پایین، متوسط (پایین و بالا) و بالا طبقه‌بندی کرد. بر اساس این طبقه‌بندی اگر تولید ناخالص داخلی سرانه کشوری زیر ۲۰۰۰ دلار باشد، در طبقه درآمد پایین، بین ۲۰۰۰ و ۷۲۵۰ دلار باشد، در طبقه درآمد متوسط پایین، بین ۷۲۵۰ و ۱۱۷۵۰ دلار باشد، در طبقه درآمد متوسط بالا و اگر بیش از ۱۱۷۵۰ دلار باشد، در طبقه درآمد بالا قرار می‌گیرد.

پدیده دام درآمد متوسط بیان می‌دارد زمانی که کشوری از طبقه درآمد پایین به طبقه درآمد متوسط می‌رسد، دیگر استراتژی‌های گذشته برای خروج از این طبقه درآمدی کارساز نبوده و نیاز به سیاست‌های جدید است. از طرفی در تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ دلار، رشد اقتصادی کند می‌شود و از رشد گذشته خود فاصله می‌گیرد و این عوامل در مجموع باعث می‌شوند تا کشور در دام درآمد متوسط گرفتار شود. اگر کشوری حداقل ۲۸ سال در دامنه درآمد متوسط پایین باشد، در دام درآمد متوسط پایین و اگر حداقل ۱۴ سال در دامنه درآمد متوسط بالا باشد، در دام درآمد متوسط بالا گرفتار شده است. کشوری که در دام درآمد متوسط پایین گرفتار شده است، سالانه به رشد حداقل ۴.۷ درصدی در تولید ناخالص داخلی سرانه نیاز دارد و کشوری که در دام درآمد متوسط بالا گرفتار شده است، سالانه به رشد حداقل ۳.۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی سرانه نیاز دارد.

هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر دام درآمد متوسط در ایران و سیاست‌های اتخاذ شده توسط کشورهای مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین به‌عنوان کشورهای موفق آسیایی در اجتناب از دام درآمد متوسط و رسیدن به سطوح بالاتر درآمدی است. در این پژوهش، با استفاده از تجربه کشورهای موفق در اجتناب از دام، در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۱ به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی، صادرات با تکنولوژی بالا، بهره‌وری کل عوامل تولید، صادرات کالاها و خدمات و ارزش افزوده بخش خدمات بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در چهار کشور موفق آسیایی و همچنین ایران با استفاده از داده‌های پانل و تخمین زن اثرات ثابت می‌پردازیم. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در کشورهای منتخب موفق آسیایی، دو عامل سرمایه انسانی آموزش دیده و با مهارت بالا و رشد بهره‌وری کل عوامل تولید با تأثیر مثبت و معنی‌دار بیشترین تأثیر را در اجتناب این کشورها از دام داشته‌اند و بعد از آن نیز سایر عوامل به‌صورت مثبت و معنی‌دار تأثیرگذار بوده‌اند. در مورد ایران نیز گرچه دو عامل سرمایه انسانی و بهره‌وری کل عوامل تولید با تأثیر مثبت و معنی‌دار در رشد اقتصادی تأثیرگذار هستند، اما صادرات کالاها و خدمات و ارزش افزوده بخش خدمات به ترتیب با تأثیر منفی و معنی‌دار و بدون تأثیر بر رشد اقتصادی در خروج کشور از دام ناموفق بوده‌اند. سایر عوامل نیز مانند سرمایه‌گذاری و صادرات با تکنولوژی بالا دارای تأثیرگذاری مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی می‌باشند.

واژگان کلیدی: دام درآمد متوسط، رشد اقتصادی، بهره‌وری، سرمایه انسانی

طبقه بندی JEL: J۲۴، D۲۴، E۲۲، C۳۳

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۱-۱	مقدمه
۲	۲-۱ مسئله پژوهش
۳	۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش
۴	۴-۱ اهداف پژوهش
۴	۵-۱ سؤال‌های پژوهش
۵	۶-۱ فرضیه‌های پژوهش
۵	۷-۱ قلمرو پژوهش
۵	۸-۱ جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش
۶	۹-۱ روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش
۶	۱۰-۱ فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات
۶	۱۱-۱ فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۶	۱۲-۱ محدودیت‌های پژوهش
۷	۱۳-۱ سازماندهی پژوهش
۷	۱۴-۱ تعریف واژه‌های مهم و کلیدی
۸	فصل دوم: مبانی نظری و مطالعات تجربی
۱۰	۱-۲ مقدمه
۱۱	۲-۲ مفهوم دام درآمد متوسط
۱۱	۳-۲ طبقه‌بندی درآمدی
۱۵	۴-۲ اجتناب از دام درآمد متوسط
۱۸	۵-۲ تجربه مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین در اجتناب از دام درآمد متوسط
۲۷	

۲۷ ۱-۵-۲ تجربه مالزی
۳۰ ۲-۵-۲ تجربه تایلند
۳۳ ۳-۵-۲ تجربه کره جنوبی
۳۹ ۴-۵-۲ تجربه چین
۴۳ ۶-۲ مروری بر مطالعات تجربی دام درآمد متوسط
۵۲ ۷-۲ نتیجه‌گیری
۵۳ فصل سوم: برآورد مدل و یافته‌ها
۵۴ ۱-۳ مقدمه
۵۴ ۲-۳ تبیین مدل
۵۵ ۳-۳ روش تحقیق
۵۵ ۴-۳ معرفی متغیرها و نحوه گردآوری اطلاعات
۵۵ ۱-۴-۳ متغیر وابسته
۵۵ ۲-۴-۳ متغیرهای مستقل (توضیحی)
۵۶ ۳-۴-۳ نحوه گردآوری اطلاعات
۵۷ ۵-۳ بررسی مانایی متغیرها
۶۱ ۶-۳ آزمون هم‌انباشستگی
۶۲ ۷-۳ رویکرد پانل ایستا
۶۳ ۱-۷-۳ معرفی چارچوب مدل در رویکرد پانل دیتای ایستا
۶۴ ۱-۱-۷-۳ چارچوب روش اثرات ثابت
۶۴ ۲-۱-۷-۳ چارچوب روش اثرات تصادفی
۶۵ ۳-۱-۷-۳ چارچوب تصمیم‌گیری بین اثرات ثابت و تصادفی
۶۷ ۲-۷-۳ ساختار مدل‌های تصریح‌شده در رویکرد پانل ایستا

۷۰ ۱-۲-۷-۳ آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی
۷۱ ۲-۲-۷-۳ آزمون‌های تشخیص در داده‌های پانل دیتا
۷۱ ۱-۲-۲-۷-۳ شناسایی هم خطی و ضریب همبستگی
۷۴ ۲-۲-۲-۷-۳ بررسی ناهمسانی واریانس
۷۵ ۳-۲-۲-۷-۳ خودهمبستگی در داده‌های تابلویی
۷۷ ۳-۲-۷-۳ تخمین الگوها در مدل پانل دیتای ایستا
۸۱ ۸-۳ تفسیر نتایج مدل
۸۳ ۹-۳ نتیجه‌گیری
۸۵ فصل چهارم: جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی
۸۶ ۱-۴ مقدمه
۸۶ ۲-۴ خلاصه‌ای از فصل‌ها
۸۸ ۳-۴ نتیجه‌گیری
۸۹ ۴-۴ توصیه‌های سیاستی
۹۱ منابع
۹۹ پیوست

فصل اول

کلیات پژوهش

۱- مقدمه

بانک جهانی، کشورها را برحسب تولید ناخالص داخلی سرانه (برحسب برابری قدرت خرید و دلار ثابت سال ۱۹۹۰) به چهار گروه درآمدی تقسیم کرده است: کم‌درآمد زیر ۲۰۰۰ دلار، درآمد متوسط پایین بین ۲۰۰۰ تا ۷۲۵۰ دلار، درآمد متوسط بالا بین ۷۲۵۰ تا ۱۱۷۵۰ دلار و درآمد بالا بیشتر از ۱۱۷۵۰ دلار (فلیپ و همکاران، ۲۰۱۲). از دهه ۱۹۵۰، تعداد قابل‌توجهی از کشورها با رشد سریع به وضعیت درآمد متوسط دست یافتند و تعداد اندکی از کشورها با جهش توانستند تبدیل به اقتصادهای با درآمد بالا شوند. باین‌حال بسیاری از کشورهای در حال توسعه، در آنچه دام درآمد متوسط^۱ نامیده می‌شود، گرفتار شدند که ویژگی‌های آن، کاهش شتاب رشد و کاهش سرعت افزایش بهره‌وری است. تعریف دام درآمد متوسط عبارت است از: تعادل‌های اقتصادی پایدار و با رشد پایین که در آن استعدادهای نادرستی تخصیص پیدا می‌کنند و نوآوری دچار رکود است. اگر کشوری حداقل ۲۸ سال در گروه کشورهای درآمد متوسط پایین باقی بماند، در دام درآمد متوسط پایین و اگر حداقل ۱۴ سال در گروه کشورهای درآمد متوسط بالا باقی بماند، در دام درآمد متوسط بالا گرفتار شده است. در سال ۲۰۱۰، ۴۰ کشور با درآمد پایین، ۳۸ کشور با درآمد متوسط پایین، ۱۴ کشور با درآمد متوسط بالا و ۳۲ کشور با درآمد بالا در جهان وجود داشت.

کشور ایران با تولید ناخالص داخلی سرانه ۵۹۲۰ دلار (در سال ۲۰۱۵) در محدوده درآمد متوسط پایین قرار گرفته و ۵۸ سال است که در دام درآمد متوسط پایین گیر افتاده است (از سال ۱۹۵۹). چهار کشور مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین به‌عنوان کشورهای مورد مقایسه در این پژوهش نیز در محدوده درآمد متوسط بالا (مالزی، تایلند و چین) و درآمد بالا (کره جنوبی) قرار دارند و تجربه موفق در خروج از دام درآمد متوسط داشته‌اند.

^۱ Middle Income Trap

۲-۱ مسئله پژوهش

طبق محاسبات صورت گرفته، اگر کشوری ۲۸ سال در دامنه درآمد متوسط پایین قرار داشته باشد، در دام درآمد متوسط پایین گرفتار شده است. کشور ایران حدود ۵۸ سال است که در این دامنه درآمدی قرار دارد و بنابراین بیش از نیم قرن است که در دام درآمد متوسط پایین گرفتار شده است.

یکی از چالش‌های جدی کشورهای درآمد متوسط، گیرافتادن در دام درآمد متوسط است. عارضه دام درآمد متوسط شاید مهم‌ترین چالشی باشد که گریبان گیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه شده است. طی ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته، معدود کشورهایی در جهان بوده‌اند که توانسته‌اند از گروه کشورهای دارای درآمد متوسط به گروه کشورهای پردرآمد برسند، مانند کشورهای ژاپن، کره جنوبی و تایوان در شرق آسیا. در کشورهای موفق شرق آسیا، به شبکه‌های زیرساخت توجه ویژه‌ای شده است و همین عامل در کنار عواملی مانند نوآوری و تحقیق و توسعه سبب شده است تا این کشورها طی چند دهه گذشته از وضعیت درآمد متوسط به وضعیت درآمد بالا برسند و در دام درآمد متوسط گرفتار نشوند. اما این عوامل در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و سبب شده است تا بیشتر از ۵ دهه در این دام گرفتار باشد.

از جمله کشورهایی که توانسته‌اند طی دهه‌های اخیر از این دام اجتناب کنند و به درآمد بالا رسیده‌اند، می‌توان به کشورهای یونان، هنگ‌کنگ، ایرلند، ژاپن، پرتغال، کره جنوبی، اسپانیا، اتریش، بلژیک، سوئد، ایتالیا، سنگاپور، تایوان و ... اشاره کرد. در این پژوهش، تجربه چهار کشور مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین به‌عنوان چهار کشور موفق در اجتناب از این دام و موفق در ارتقاء از درآمد متوسط پایین به درآمد متوسط بالا و از درآمد متوسط بالا به درآمد بالا، بررسی می‌شود. فعالیت‌های تحقیق و توسعه و نقش عوامل نهادی در گذار از دام درآمد متوسط برای این کشورها، بسیار حائز اهمیت بوده است.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه عواملی بر دام درآمد متوسط در ایران مؤثر بوده است و از تجربیات مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین که از این دام اجتناب کرده‌اند، چگونه می‌توان برای رهایی از دام درآمد متوسط در ایران استفاده کرد؟ مهم‌ترین دلایل انتخاب این چهار کشور این است که اولاً در حال توسعه‌اند (تنها کره جنوبی توسعه‌یافته است و به دلیل وارد کردن تجربه یک کشور توسعه‌یافته به پژوهش اضافه شده است)، ثانیاً توانسته‌اند با استفاده از سیاست‌هایی از دام رهایی یابند، ثالثاً یک پله از ما

بالا ترند، یعنی از طبقه درآمد متوسط پایین به درآمد متوسط بالا رفته‌اند (همچنین کره جنوبی از طبقه درآمد متوسط بالا به درآمد بالا منتقل شده است).

۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت انجام این پژوهش از آن جهت است که یکی از چالش‌های جدی اقتصاد ایران، دام درآمد متوسط است و این چالش نقش مهمی در کندی آهنگ رشد و توسعه اقتصادی ایران نسبت به سایر رقبا دارد. در این پژوهش ضمن بررسی وجود دام درآمد متوسط در اقتصاد ایران، با ترسیم یک چارچوب تحلیلی بر مبنای عوامل تعیین‌کننده توسعه اقتصادی کشور، به مقایسه وضعیت فعلی کشور ایران با وضعیت مالزی، تایلند و چین (به‌عنوان کشورهای موفق در اجتناب از دام درآمد متوسط پایین و رسیدن به گروه کشورهای با درآمد متوسط بالا) و کره جنوبی (به‌عنوان کشور موفق در اجتناب از دام درآمد متوسط پایین و بالا و رسیدن به گروه کشورهای با درآمد بالا) می‌پردازیم تا از این رهگذر بتوانیم مهم‌ترین عوامل ایجادکننده این دام را در اقتصاد ایران شناسایی کرده و راهکارهایی را نیز برای خروج از آن ارائه کنیم.

ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که اقتصاد ایران به‌رغم قابلیت‌ها و توانمندی‌های بسیار و متنوعی که دارد در تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی، به‌ویژه از حیث درآمد سرانه، که به‌عنوان یکی از اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز مطرح شده، ناکام مانده است. مطالعه و تطبیق دام درآمد متوسط در اقتصاد ایران، هم به جهت هموار کردن مسیر دستیابی به سطوح بالاتر درآمدی و ایجاد یک بینش واقع‌بینانه در میان تصمیم‌گیران کشور و هم به علت مطالعات و تحقیقات محدود صورت گرفته در این زمینه، به‌شدت ضرورت دارد. بنابراین بررسی این دام و تلاش برای خروج از آن، از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است.

۴-۱ اهداف پژوهش

- ۱ - بررسی علل گرفتار شدن اقتصاد ایران در دام درآمد متوسط
- ۲ - بررسی سیاست‌های اتخاذ شده مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین جهت برون‌رفت از دام درآمد متوسط

۳- ارائه توصیه‌های سیاستی جهت برون‌رفت ایران از دام درآمد متوسط

۱-۵ سؤال‌های پژوهش

۱- عوامل مؤثر بر دام درآمد متوسط در ایران کدامند؟

۲- با توجه به تجربه مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین چه سیاست‌هایی جهت برون‌رفت ایران از دام درآمد متوسط می‌توان پیشنهاد نمود؟

۱-۶ فرضیه‌های پژوهش

۱- رشد اقتصادی پایین، نسبت پایین صادرات با تکنولوژی بالا، عدم تنوع و گوناگونی در صادرات و پایین بودن ارزش‌افزوده بخش خدمات و سنتی بودن آن و همچنین سهم پایین سرمایه انسانی، عوامل گرفتار شدن ایران در دام درآمد متوسط می‌باشند.

۲- تنوع و گوناگونی صادرات با تکنولوژی بالا، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پیشرفته و نوین کردن بخش خدمات، تقویت سرمایه انسانی و بهبود رشد بهره‌وری کل عوامل تولید از عوامل مؤثر در برون‌رفت کشورهای مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین از دام درآمد متوسط می‌باشند.

۱-۷ قلمرو پژوهش

قلمرو مکانی: کشورهای ایران، مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین

قلمرو زمانی: دوره ۱۹۹۱ - ۲۰۱۴

قلمرو موضوعی: رشد و توسعه اقتصادی

۸-۱ جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

۱- بررسی دام درآمد متوسط در ایران در مقایسه با تجربه موفق مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین

۲- نوآوری دیگر این پژوهش این است که دوره مطالعاتی ۱۹۹۱ - ۲۰۱۴ می‌باشد.

۹-۱ روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش

به دلیل مطالعه بین کشوری در این پژوهش، از داده‌های پانل و روش داده‌های پانل برای بررسی نقش عوامل توضیحی بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه بین کشورها استفاده شده است.

همچنین عوامل توضیحی در این پژوهش شامل سرمایه‌گذاری، شاخص سرمایه انسانی، صادرات با تکنولوژی بالا، سطح بهره‌وری کل عوامل تولید، صادرات کالاها و خدمات و همچنین ارزش افزوده بخش خدمات می‌باشند.

۱۰-۱ فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات و نگارش ادبیات موضوع، از مطالعات اسنادی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای شامل کتب فارسی و لاتین و نیز منابع و مقالات موجود در پایگاه‌های معتبر، بهره گرفته شده است. برای به دست آوردن داده‌ها نیز از سایت‌های مربوط به بانک جهانی، فدرال رزرو ایالات متحده آمریکا و همچنین از جداول جهانی پن (PWT) استفاده گردیده است.

۱۱-۱ فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار Stata و داده‌های پانل بهره گرفته شده است.

۱۲-۱ محدودیت‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا سعی بر آن بود تا دوره مورد مطالعه ۱۹۷۰ - ۲۰۱۴ باشد، اما به دلیل فقدان داده‌های مورد نیاز قبل از سال ۱۹۹۰ برای کشورهای مورد بررسی، دوره مطالعه به ۱۹۹۱ - ۲۰۱۴ تغییر یافت.

در دوره مورد مطالعه نیز برای برخی متغیرهای مهم و مورد نظر مانند هزینه تحقیق و توسعه^۱، مخارج آموزش^۲، کل بدهی دولت^۳، ضریب جینی^۴ و نرخ ارز مؤثر واقعی^۵ با فقدان داده برای کشورهای مورد بررسی روبرو شدیم که موجب کنار گذاشتن این متغیرها از پژوهش شد.

همچنین از آنجایی که طبقه‌بندی درآمدی جدیدی از کشورها با توجه به تولید ناخالص داخلی سرانه (برحسب برابری قدرت خرید و دلار ثابت سال ۲۰۱۱) در دسترس نبود، با توجه به موجود بودن طبقه‌بندی کشورها برحسب دلار ثابت سال ۱۹۹۰، برای مقایسه بهتر از داده‌های تولید ناخالص داخلی سرانه برحسب دلار ثابت سال ۱۹۹۰ بهره گرفته شده است.

۱۳-۱ سازماندهی پژوهش

پژوهش حاضر در چهار فصل تنظیم شده است: ابتدا در فصل اول کلیاتی در مورد بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش، اهداف پژوهش، سؤال و فرضیه‌های آن، قلمرو پژوهش، جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش، روش‌شناسی پژوهش و محدودیت‌های آن بیان می‌شود. فصل دوم به بررسی ادبیات و مبانی نظری تحقیق و همچنین پیشینه‌ای از مطالعات انجام گرفته در مورد موضوع می‌پردازد. در فصل سوم به کاربرد مدل در اقتصاد ایران با توجه به تجربیات چهار کشور مالزی، تایلند، کره جنوبی و چین پرداخته می‌شود. فصل چهارم نیز شامل جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی است.

^۱ R&D Expenditure (% of GDP)

^۲ Education Expenditures (% of GDP)

^۳ Total government debt (% of GDP)

^۴ Gini Coefficients

^۵ Real Effective Exchange Rate

۱۴-۱ تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

تولید ناخالص داخلی سرانه بر پایه برابری قدرت خرید (PPP): تولید ناخالص داخلی برابری قدرت خرید، تولید ناخالص داخلی تبدیل شده به دلار بین‌المللی با استفاده از نرخ‌های برابری قدرت خرید است. دلار بین‌المللی، قدرت خرید مشابهی بر تولید ناخالص داخلی دارد، همان قدر که دلار ایالات متحده قدرت خرید مشابهی در ایالات متحده دارد. تولید ناخالص داخلی در قیمت‌های خریدار، مجموع ارزش افزوده ناخالص تمام تولیدکنندگان ساکن در اقتصاد به علاوه مالیات محصول و غیر از یارانه‌هایی است که در ارزش محصولات گنجانده نشده‌اند. این بدون کسر کردن استهلاک دارایی‌های ساخته شده یا تخریب منابع طبیعی محاسبه شده است.

صادرات با تکنولوژی بالا: صادرات با تکنولوژی بالا محصولات با تحقیق و توسعه به شدت بالا، مانند هوافضا، کامپیوتر، دارو، ابزارهای علمی و ماشین‌آلات الکتریکی هستند (WDI, ۲۰۱۶).

سطح بهره‌وری کل عوامل تولید: بهره‌وری کل عوامل تولید، بخش تولید توضیح داده نشده ناشی از مقدار نهاده‌های مورد استفاده در تولید است. به این ترتیب، سطح آن تعیین می‌کند که چگونه به طور مؤثر و شدید از نهاده‌ها در تولید استفاده می‌شود (Comin, ۲۰۰۶).

صادرات کالاها و خدمات: صادرات کالاها و خدمات نشان‌دهنده ارزش تمام کالاها و دیگر خدمات بازار است که به سایر نقاط جهان ارائه می‌شوند و شامل ارزش کالا، حمل و نقل، بیمه، وسیله نقلیه، سفر، حق امتیاز، هزینه‌های مجوز، و سایر خدمات مانند ارتباطات، ساخت و ساز، مالی، اطلاعات، کسب و کار، شخصی و خدمات دولتی می‌شوند. آن‌ها پاداش کارکنان و درآمد سرمایه‌گذاری (قبلاً خدمات عامل^۱ نامیده می‌شد) و پرداخت‌های انتقالی را در نظر نمی‌گیرند.

ارزش افزوده بخش خدمات: خدمات مربوط به بخش‌های ۵۰ - ۹۹ ISIC^۲ هستند و شامل ارزش افزوده در تجارت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (از جمله هتل‌ها و رستوران‌ها)، حمل و نقل، دولت، خدمات مالی، حرفه‌ای و شخصی مانند آموزش، سلامت و خدمات املاک و مستغلات می‌شوند. همچنین شامل هزینه

^۱ Factor Services

^۲ International Standard Industrial Classification

خدمات بانکی، وظایف وارداتی و هر اختلاف آماری که توسط گردآورندگان ملی ذکر شده است و همچنین اختلافات ناشی از کاهش مجدد می‌باشند. ارزش افزوده، خروجی خالص یک بخش پس از اضافه کردن تمام فرآوری‌ها و کم کردن مقادیر مداخله کننده است. این بدون کسر کردن استهلاک دارایی‌های ساخته شده یا تخریب منابع طبیعی محاسبه شده است (WDI, ۲۰۱۶).

فصل دوم

مبانی نظری و مطالعات تجربی

۱-۲ مقدمه

در این فصل که با هدف بررسی مبانی نظری پژوهش و مروری بر مطالعات پیشین تنظیم شده است، در ابتدا به بررسی مفهوم دام درآمد متوسط پرداخته می‌شود. در بخش بعدی، طبقه‌بندی درآمدی کشورها جهت مقایسه بهتر توضیح داده می‌شود، سپس جهت سیاست‌گذاری بهتر، عوامل مؤثر در اجتناب از دام درآمد متوسط به صورت مختصر بیان می‌شوند. در بخش بعدی، به تجارب کشورهای موفق مورد مطالعه در اجتناب از دام درآمد متوسط و سیاست‌گذاری‌های آن‌ها پرداخته می‌شود. در انتهای فصل نیز ضمن مرور مطالعات انجام گرفته در زمینه موضوع پژوهش، تمایز این پژوهش با مطالعات قبلی بیان می‌شود و در پایان جمع‌بندی این فصل ارائه می‌شود.

۲-۲ مفهوم دام درآمد متوسط

به لحاظ تاریخی، توسعه اقتصادی کشورها، دامنه وسیعی از کشورهای کم‌درآمد (فقیر) به کشورهای درآمد بالا (ثروتمند) داشته است. در مراحل اولیه توسعه، کشورها در درجه اول روی کشاورزی معیشتی تکیه کردند (با چند استثناء، از قبیل سنگاپور، هنگ‌کنگ و چین). این بخش، در این مرحله نسبتاً نامولد است و سهم بزرگ‌تری از محصول و اشتغال می‌گیرد. در برخی نقاط، و به‌عنوان نتیجه‌ای از مکانیزه کردن (انباشت سرمایه) کشاورزی و انتقال نیروی کار به صنعت و خدمات، اغلب واقع شده در مناطق شهری (که بنگاه‌ها به کارگران برای صنایع جدید خود و مولدتر از کشاورزی نیاز دارند)، بهره‌وری شروع به افزایش می‌کند. همچنان که این فرآیند طول می‌کشد، ساختارهای محصول و اشتغال تغییر می‌کنند. در نتیجه، همه بخش‌ها (از جمله کشاورزی) می‌توانند دستمزدهای بالاتری پرداخت کنند و درآمد سرانه کشور افزایش می‌یابد. توسعه اقتصادی یک فرآیند بسیار پیچیده است که شامل: (۱) انتقال منابع (کار و سرمایه) از فعالیت‌های با بهره‌وری پایین (معمولاً کشاورزی) به فعالیت‌های با بهره‌وری بالاتر (صنعت و خدمات؛ ۲) انباشت سرمایه؛ (۳) صنعتی‌سازی و تولید محصولات جدید با استفاده از روش‌های جدید تولید؛ (۴) شهرنشینی؛ و (۵) تغییرات در نهادها و باورهای اجتماعی می‌شود (کوزنتس، ۱۹۷۱، ۳۴۸).

دامنه گذار کشورها از میان مراحل توسعه اقتصادی، اغلب اوقات، از کشورهای درآمد پایین به درآمد متوسط و در حالت ایده آل، به کشورهای درآمد بالا می‌باشد. باین‌حال، در برخی موارد، کشورها در گروه‌های درآمدی پایین یا متوسط برای دوره زمانی طولانی گرفتار می‌شوند و درآمد آن‌ها بالا نمی‌رود. در برخی موارد، برگشت اتفاق می‌افتد. در واقع، کشورهایی که به درآمد متوسط رسیده‌اند ممکن است به گروه درآمد پایین برگشت کنند، شاید به دلیل شوک بزرگ، از قبیل جنگ یا غوطه‌ور شدن در قیمت‌های کالای مصرفی اگر کشور بیش‌ازحد به مجموعه محدودی از کالاهای مصرفی وابسته باشد. گذار یک اقتصاد از وضعیت درآمد پایین به درآمد متوسط برای دست یافتن به وضعیت درآمد بالا و درنهایت رسیدن به ثروتمندترین‌ها یک جهش بزرگ است (اسپنس، ۲۰۱۱).

در طول دو و نیم دهه گذشته، بحث مهمی پیرامون مشاهدات به وجود آمده که برخی کشورها که موفق به عبور از درآمد متوسط بوده‌اند، هنوز طی چند وقت پیش قادر به رسیدن به گروه درآمد بالا نبوده‌اند. در نتیجه، برخی نویسندگان ادعا می‌کنند که این کشورها در دام درآمد متوسط هستند. طبعاً، این یک مسئله نگران‌کننده برای سیاست‌گذاران این کشورها است، همچنان که آن‌ها مشاهده کردند که سایر کشورها در رسیدن به درآمد بالا موفق بودند (فلیپ و همکاران، ۲۰۱۲).

بانک توسعه آسیا، به کشورهای آسیایی اشاره می‌کند که قادر به رقابت با اقتصادهای درآمد پایین و دستمزد پایین در صادرات صنعتی و با اقتصادهای پیشرفته در نوآوری‌های بامهارت بالا نیستند. این‌گونه کشورها نمی‌توانند انتقال موقتی از رشد منابع محور، با کار و سرمایه کم‌هزینه، به رشد بهره‌وری محور ایجاد کنند (بانک توسعه آسیا، ۲۰۱۱، ۵۴، کادر ۵۰۱).

اسپنس استدلال می‌کند: در محدوده درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ - ۵۰۰۰ دلار، صنایعی که رشد را در اوایل دوره موجب می‌شوند، شروع به تبدیل شدن به جهانی غیررقابتی ناشی از افزایش یافتن دستمزدها می‌کنند. این بخش‌های کاربر به کشورهای با دستمزد پایین‌تر حرکت می‌کنند و توسط مجموعه جدیدی از صنایع جایگزین می‌شوند که بیشتر سرمایه، سرمایه انسانی و دانش بر هستند در راهی که آن‌ها ارزش را ایجاد می‌کنند (اسپنس، ۲۰۱۱، ۱۰۰).